

دانش و پژوهش

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

(علوم انسانی)

شماره دوم - زمستان ۱۳۷۸

صص ۴۹-۶۲

بررسی ویژگیهای شخصیتی و جمعیت‌شناختی

مجرمان زندان مرکزی اصفهان

ابوالقاسم نوری* - غلامرضا بردبار**

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تفاوت‌های موجود بین پنج گروه از زندانیان با توجه به نوع جرم و ویژگیهای جمعیت‌شناختی آنان به کمک آزمون شخصیتی چند وجهی مینه سوتا (MMPI) بوده است. این گروه‌ها شامل قتل مردان ($n=31$)، دزدی مردان ($n=31$)، سوء مصرف مواد مخدر مردان ($n=54$)، کلاهبرداری مردان ($n=31$) و جرایم زنان ($n=37$) بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که:

۱- مردان در گروه‌های زندانی چهارگانه تفاوت معناداری در مقیاسهای HS, D, PD, PT, SC, L, K داشتند. ۲- زنان زندانی به‌طور معناداری در مقیاسهای HS, D, PT, SC, MA نسبت به مردان زندانی نمرات بالاتری داشتند. ۳- زنان زندانی که اقدام به خودکشی کرده بودند به‌طور معناداری در مقیاسهای L, K, MA نسبت به

زنانی که اقدام به خودکشی نکرده بودند، نمرات بالاتری داشتند. ۴- مردان زندانی سابقه‌دار به‌طور معناداری در مقیاسهای L, K, MA نسبت به گروه غیر سابقه‌دار نمرات بالاتری داشتند. ۵- گروه زندانیان مرد که در جنگ تحمیلی ایران و عراق شرکت داشتند به‌طور معناداری در مقیاس L نسبت به گروه زندانیانی که در جنگ شرکت نداشته‌اند؛ نمرات بالاتری به‌دست آوردند. ۶- زندانیان مردی که اقدام به خودکشی کرده بودند به‌طور معناداری در مقیاسهای PT, PD, D نسبت به سایر زندانیان مردی که اقدام به خودکشی نکرده بودند؛ نمرات بالاتری داشتند. ۷- نتایج پژوهش حاضر در ارتباط با ویژگیهای جمعیت‌شناختی نشان داد که از چهار جنبه آماری رابطه معناداری بین سطح تحصیلات و میزان محکومیت مردان زندانی وجود دارد و نیز رابطه معناداری بین سن و چهار گروه از انواع جرایم مردان زندانی وجود دارد. همچنین، تعداد زنان زندانی که والدین خود را از دست داده بودند به‌طور معناداری از مردان زندانی که والدین خود را از دست داده‌اند، بیشتر بود.

مقدمه

در دهه ۹۰ میلادی پرخاشگری و سرکشی فردی و جمعی تحت تأثیر انگیزه‌های دادخواهانه یا بیدادگرانه به شکلهای و شیوه‌های گوناگونی در سرتاسر گیتی تشدید شده و به رویدادهای خونینی انجامیده است. به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۹۲ سازمان FBI^۱ در ایالات متحده آمریکا تعداد ۱۹۳۲۲۷۴ مورد جرایم فساد جنسی، قتل و سرقت گزارش داد. بر طبق این گزارش جرایم مربوط به فساد جنسی، با ۱۰۹۰۶۲ مورد در درجه اول قرار می‌گیرد و بعد از آن جرایم مربوط به قتل (دیگرکشی)، با ۲۳۷۶۰ مورد در درجه دوم قرار می‌گیرد. همچنین قتل با اسلحه سومین عامل مرگ و میر نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله شناخته شده است (کاپلان و سایرین، ۱۹۹۴). آمار قابل استناد پرونده‌های وارده محکومین و متهمین در دادسراهای انقلاب اسلامی ایران در بین سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۹ نیز، ۹۱/۴ درصد افزایش داشته است (عبدی، ۱۳۷۱، ص ۷۸). در زمانهای گذشته این اعتقاد وجود داشت که مجرم کسی است که قادر به پیروی

از قوانین اجتماعی نیست. با توجه به اعتقاد مزبور، مجرم باید از اجتماع دور نگه داشته شود و زندان، سرنوشت شوم و دردناکی برای خاطی محسوب می‌شود. اما امروزه مسئولان سعی در پیشگیری و درمان این حقیقت تلخ اجتماعی دارند. بر طبق تعریف جدید مجرم کسی است که قادر به درک خود و اجتماع خود نمی‌باشد و نمی‌تواند خود را با قوانین آن وفق دهد، و زندان محلی است که در آن به زندانی کمک می‌شود تا به دور از عوامل فشارزای اجتماعی و به یاری مددکاران، خود را بازسازی کند (تهرانی، ۱۹۹۶؛ ص ۳).

در چند ساله اخیر روان‌پزشکان و روان‌شناسان قانونی بر نظریه تعامل بین شرایط محیطی فشارزا و تاریخچه طبی یا بیماریهای روان‌تنی و عدم واقعیت‌سنجی در هنگام بروز جرم از طرف یک بیمار روانی تأکید بیشتری مبذول داشته‌اند. روان‌پزشکان و روان‌شناسان قانونی بهترین راه‌حل را در مداخله‌ای تخصصی به منظور درمان و بازگشت بیمار به حالت سلامتی، به جای محکوم کردن و یا اعدام بیمار متخلف، می‌دانند (اریچ^۱، ۱۹۹۴).

نتیجه پژوهشی که در زمینه تکرار جرم و عدم تکرار جرم و همچنین مقایسه متغیرها و عوامل جمعیت‌شناختی، تاریخچه فامیلی، تغییرات شیمیایی-تکانشی، ارگانیکی و تشخیص‌های روان‌پزشکی مجرمین به دست آمده است نشان می‌دهد که اقدام به خودکشی از مهمترین زمینه‌های روانی تکرار جرم است (دی جنگ^۲ و همکاران، ۱۹۹۲). در تحقیقی با بررسیهای فامیلی که بر روی موارد متعددی از ارتکاب قتل به عمل آمده، نشان می‌دهد که دو حالت افسردگی و خودکشی با رفتارهای جنایتکارانه رابطه‌ای بسیار قوی دارد و در زمینه روان‌پزشکی می‌توان دو حالت مذکور را بهترین پیش‌بینی کننده برای رفتارهای جنایتکارانه دانست (بنزچ^۳، ۱۹۹۱).

در بسیاری از پژوهشهای دهه اخیر این واقعیت آشکار شده که زندانها عده بسیار زیادی از مجرمین مبتلا به اختلالات روانی را در خود جای داده‌اند. به عنوان نمونه، در یک پژوهش جرم‌شناسی این نتایج به دست آمد:

الف - مردان مبتلا به اختلالات روانی، در مقایسه با گروه مردان بهنجار، اولاً ۲۱ برابر بیشتر مرتکب جرم شده بودند، ثانیاً ۴ برابر بیشتر مرتکب قانون‌شکنی‌های خشونت‌آمیز شده بودند.

ب - زنان مبتلا به اختلالات روانی در مقایسه با زنان بهنجار، اولاً ۵ برابر بیشتر مرتکب جرم شده بودند، ثانیاً ۲۷ برابر بیشتر مرتکب قانون‌شکنی‌های خشونت‌آمیز شده بودند.

پ - همگی زنان و مردان مجرم مبتلا به اختلالات روانی در طی زندگی خود مرتکب جرم شده بودند، اما بیشتر از نیمی از آنها رفتار جنایتکارانه را قبل از ۱۸ سالگی آغاز کرده بودند (هادگینز، ۱۹۹۲).

طی یک مطالعه آزمایشی بر روی ۱۰۰۷ نفر بیمار روانی بیمارستان با اجرای آزمون MMPI و مقایسه‌هایی در زمینه جمعیت‌شناسی، روان‌شناسی بالینی و قانونی نتایج مبنی بر ۹ نیم‌رخ شخصیتی به دست آمد که به طور کاملاً معنی‌داری با یکدیگر تفاوت داشتند. این یافته‌ها یک نوع تیپ‌شناسی را به دست داده است که می‌تواند معتبر و قابل استفاده برای نیازهای درمانی و طبقه‌بندی جمعیت مجرمانی باشد که به نوعی از مشکلات روانی رنج می‌برند (هاتون^۲ و سایرین، ۱۹۹۳).

با اجرای آزمون MMPI بر روی ۹۰ نفر زندانی مرد متجاوز جنسی و بررسی ویژگی‌های شخصیتی آنان، نتایج ناهمگونی را در چهار دسته به این قرار می‌توان شرح داد:

۱- گروهی با شخصیت ضد اجتماعی ۲- گروهی با آشفتگی‌های هیجانی ۳- گروه پرخاشگران ۴- گروهی با آسیب‌های روانی شدید. اگر چه این دو گروه آخر نسبت به دو گروه دیگر، گروه‌های کوچکی را تشکیل می‌دادند، ولی در زمینه متغیرهای روانی-جنسی، روانی-اجتماعی و عواطف و هیجانها تفاوت‌های معنی‌داری با دو گروه دیگر داشتند و به طور کلی تمامی چهار گروه از لحاظ نیم‌رخ‌های روانی رسم شده آزمون MMPI با دو گروه دیگر شباهت داشتند (شیرلی^۳ و همکاران، ۱۹۹۱). در ایران نیز

احدی (۱۳۶۹) در سالهای تحصیلی ۱۳۶۵-۱۳۶۴ پژوهشی بر روی دانش‌آموزان ۱۳ تا ۲۰ ساله در مدارس سراسر کشور انجام داده است. در این پژوهش ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی تعداد ۲۶۵۲ نفر دانش‌آموز با سابقه یکی از بزه‌های سرقت، همجنس‌بازی، اعتیاد و سایر اختلالات رفتاری، با تعداد ۸۸۱ نفر دانش‌آموز عادی بدون بزه مقایسه گردید. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان بزهکار به‌طور معنی‌داری بیشتر از گروه عادی دارای تیپ‌های هیجانی، اسکیزوئیدی و ضداجتماعی بودند.

افزون بر یافته‌های پژوهشهای مذکور اطلاعات و گزارشهای پزشکی قانونی و پلیس در مورد قربانیان، نحوهٔ بمب‌گذاری‌ها، نوع سرقتها و کلاهبرداری‌ها این نکته را نشان می‌دهد که هر روز بر تعداد مجرمین با کدهای کیفری و اختلالات روانی افزوده می‌شود. بنابراین، بر ضرورت انجام پژوهشهای علمی در این زمینه و همچنین تجزیه و تحلیل خصوصیات شخصیتی انواع گوناگون مجرمین نیز افزوده می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع و به‌منظور بررسی ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی زندانیان زندان مرکزی اصفهان، پژوهش حاضر انجام گرفته است. اهم فرضیه‌های پژوهشگران به این شرح است: ۱- مجرمین زندانی، در مقایسه با افراد عادی، از وضعیت روانی نامناسب‌تری برخوردارند. ۲- گروه‌های مختلف زندانی به‌طور کلی و به تفکیک مرد و زن، از نظر ویژگی‌های شخصیتی با یکدیگر متفاوت هستند.

روش تحقیق

روش نمونه‌گیری: روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی-طبقه‌ای به شکل منظم بود. آزمودنیها با استفاده از فهرست موجود در دفتر امور فرهنگی زندان و با همکاری مسئولان، روان‌شناسان، مددکاران، مأموران انتظامی و سایر زندانیان شاغل در دفتر امور فرهنگی و با توجه به نوع بندهای زندانیان به‌طور تصادفی و به شرح زیر انتخاب شدند: ۳۱ نفر زندانی مرد مرتکب قتل، ۳۱ نفر زندانی مرد مرتکب کلاهبرداری، ۳۱ نفر زندانی مرد مرتکب سرقت، ۵۴ نفر زندانی مرد مرتکب سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر و ۳۷ نفر زندانی زن (حجم نمونه‌های مذکور پس از ریزش و حذف پاسخهای ناقص و بی‌اعتبار حاصل گردیده است).

طرح تحقیق: با استفاده از روش پیمایشی و علی-مقایسه‌ای، ویژگیهای شخصیتی و جمعیت‌شناختی مجرمین نمونه‌گیری شده در زندان مرکزی استان اصفهان، در مقطع زمانی اول بهمن ۱۳۷۴ تا پایان مرداد ۱۳۷۵، مورد بررسی قرار گرفت.

ابزار تحقیق: در تحقیق حاضر برای سنجش ویژگیهای شخصیتی مجرمین از فرم کوتاه آزمون شخصیتی چندوجهی مینه‌سوتا^۱ (MMPI)، استفاده شد (این فرم در سال ۱۳۷۴ در انستیتو روان‌پزشکی و بیمارستان علوم پزشکی ایران، در شهر تهران میزان شده است). همچنین پرسشنامه دیگری به منظور بررسی ویژگیهای جمعیت‌شناختی مجرمین با استفاده از مجموعه سوالات کی‌نیا (۱۳۶۸) و براساس پیشنهادهای صاحب‌نظران دیگر برای پژوهش حاضر تدوین گردید.

نتایج

بر اساس جداول، نمودارها و نیمرخ‌های روانی حاصل از آزمون MMPI نتایج زیر ارائه می‌گردد (به عنوان نمونه، به جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱ توجه شود):

۱- با توجه به مقیاس L (دروغ‌پردازی)، نمرات گروه قاتلین زندانی مرد به طور معناداری بالاتر از گروه سارقین زندانی مرد است ($P < 0.05$).

۲- با توجه به مقیاس K (تصحیح)، نمرات گروه سوء مصرف‌کنندگان مواد مخدر و قاچاقچیان زندانی مرد به طور معناداری بالاتر از گروه سارقین زندانی مرد است ($P < 0.02$).

۳- با توجه به مقیاس HS (خود بیمار انگاری):

۳-۱: نمرات گروه قاتلین زندانی مرد به طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.01$).

۳-۲: همچنین نمرات گروه سارقین زندانی مرد به طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.05$).

۴- با توجه به مقیاس D (افسردگی):

۴-۱: نمرات گروه سارقین زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.01$).

۴-۲: همچنین نمرات گروه سوء مصرف‌کنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.01$).

۵- با توجه به مقیاس PD (انحراف روانی-اجتماعی، ضد اجتماعی):

۵-۱: نمرات گروه سارقین زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.05$).

۵-۲: نمرات گروه سوء مصرف‌کنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.01$).

۵-۳: همچنین، نمرات گروه سارقین زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه سوء مصرف‌کنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر زندانی مرد است ($P < 0.05$).

۶- با توجه به مقیاس PT (ضعف روانی):

۶-۱: نمرات گروه سوء مصرف‌کنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه قاتلین زندانی مرد است ($P < 0.05$).

۶-۲: نمرات گروه سوء مصرف‌کنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.01$).

۶-۳: همچنین نمرات گروه سارقین زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.05$).

۷- با توجه به مقیاس SC (اسکیزوفرنی):

۷-۱: نمرات گروه سوء مصرف‌کنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.05$).

۷-۲: همچنین نمرات گروه سارقین زندانی مرد به‌طور معناداری بالاتر از گروه کلاهبرداران زندانی مرد است ($P < 0.01$).

۸- با مقایسه دو به دو نیمرخ‌های روانی گروه‌های چهارگانه زندانیان مرد مشخص گردید که؛ شباهت زیادی بین نیمرخ‌های روانی سارقین و قاچاقچیان مواد مخدر وجود دارد ($P < 0.01$).

۹- زنان زندانی به طور معناداری در مقیاسهای HS,D,PT,SC,MA نسبت به زندانیان مرد نمرات بالاتری داشتند ($P < 0.05$).

۱۰- زنان زندانی که اقدام به خودکشی کرده بودند، نسبت به زنانی که چنان عملی را مرتکب نشده بودند، به طور معناداری در مقیاسهای L,K,MA نمرات بالاتری داشتند ($P < 0.05$).

۱۱- مردان زندانی سابقه دار، نسبت به گروه بدون سابقه، به طور معناداری در مقیاسهای L,K,MA نمرات بالاتری داشتند ($P < 0.05$).

۱۲- گروه زندانیان مردی که در جنگ تحمیلی ایران و عراق شرکت داشتند، در مقایسه با گروه زندانیانی که در جنگ شرکت نداشتند:

۱۲-۱: به طور معناداری در مقیاس L نمرات بالاتری به دست آوردند ($P < 0.05$).

۱۲-۲: زندانیان مردی که اقدام به خودکشی کرده بودند در مقایسه با زندانیان مردی که چنان عملی را مرتکب نشده بودند، به طور معناداری در مقیاسهای PT,PD,D نمرات بالاتری داشتند ($P < 0.05$).

۱۳- نتایج تحقیق حاضر در ارتباط با وجود رابطه معنادار میان ویژگیهای جمعیت‌شناختی نشان داد که؛

۱۳-۱: از لحاظ آماری رابطه معناداری بین سطح تحصیلات و میزان محکومیت مردان زندانی وجود دارد ($P < 0.039$).

۱۳-۲: رابطه معناداری بین سن و چهار گروه از انواع جرایم مردان زندانی وجود دارد ($P < 0.017$).

۱۳-۳: تعداد زنان زندانی که والدین خود را از دست داده بودند، به طور معناداری از مردان زندانی که والدین خود را از دست داده‌اند، بیشتر بود ($P < 0.001$).

۱۳-۴: با توجه به سطح بهنجار نیمرخ‌های روانی، نمرات تمامی مقیاسهای مجرمین زندانی نسبت به جمعیت عادی غیرزندان بالاتر است.

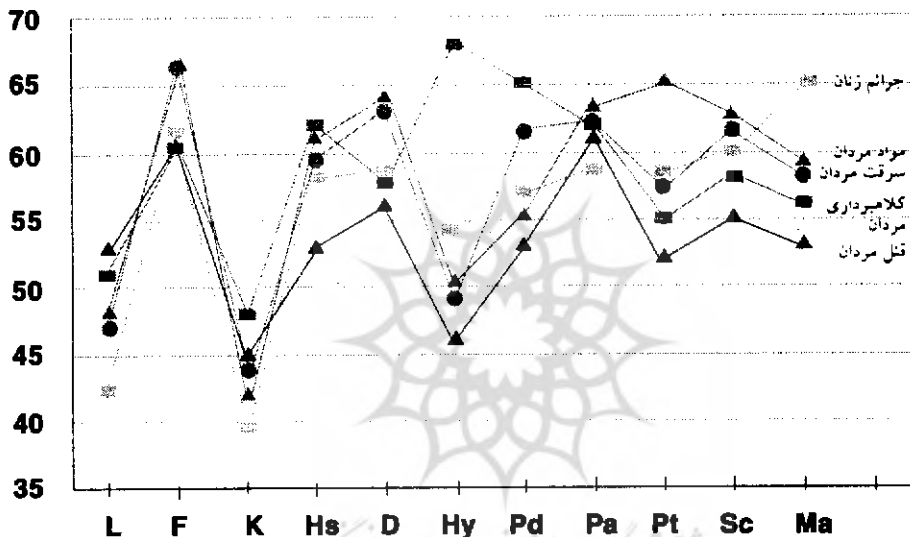
جدول شماره ۱- آزمون فرضیه‌های تحقیق مبنی بر وجود تفاوت معنادار آماری در گروههای چهارگانه جرایم زندانیان مرد (۳۱ نفر قاتل، ۳۱ نفر کلاهبردار، ۳۱ نفر سارق، ۵۱ نفر اعتیاد، سوء مصرف کننده و تاجاچی مواد مخدر) با روش آماری تحلیل واریانس (ANOVA) و با توجه به مقیاسهای آزمون MMPI

MMPI	SSW	SST	MSB	MSW	SSB	F	
L	۲۴۹,۲۲	۱۹,۰۰۴	۲۸۶,۲۶	۶,۳۵	۱,۷۴	۳,۶۴۲	*
F	۹۹۳,۶۲	۳۱,۴۲	۱۰,۲۵	۱۰,۴۷	۶,۹۵	۱,۵۰۷	
K	۸۱۷,۷۷	۵۵,۵۵	۸۷۳,۳۲	۱۸,۵۲	۵,۷۲	۳,۲۴	*
HS	۹۶۹,۹۱	۵۵,۱۱	۷۵۲,۰۲	۱۸,۳۷	۴,۸۷	۳,۷۷	**
D	۱۳۵۵,۶۴	۱۶,۰۰۴	۱۵۱۶,۹۹	۵۳,۷۸	۹,۴۸	۵,۶۷۳	**
HY	۹۱۳,۱۳	۳۵,۵۴	۹۴۸,۶۶	۱۱,۸۵	۶,۳۹	۱,۸۶	
PD	۸۵۰,۸۸	۹۱	۹۴۱,۸۸	۳۰,۳۳	۵,۹۵	۵,۰۹۸	**
PA	۷۹۴,۱۹	۱۷,۸۱	۸۱۲	۵,۹۴	۵,۵۵	۱,۰۶۹	
PT	۱۳۳۱,۵	۲۲۸,۹۳	۱۵۶۰,۴۲	۷۶,۳	۹,۳۱	۸,۱۹۵	**
SC	۱۱۲۷,۰۲	۱۲۷,۶۴	۱۲۵۴,۶۷	۴۲,۵۵	۷,۸۸	۵,۳۹۹	**
MA	۶۰۴,۰۴	۳۱,۳۷	۶۳۵,۴۰	۱۰,۴۶	۳,۹۷	۲,۶۳۲	

جدول F, $P < 0.05 = *$

جدول F, $P < 0.01 = **$

با توجه به مندرجات جدول شماره ۱ و به استناد نتایج آزمون تحلیل واریانس یکسویه (ANOVA) به فرضیه‌های تحقیق مبنی بر وجود تفاوت معنادار آماری در گروههای چهارگانه جرایم زندانیان مرد زندان مرکزی اصفهان با توجه به ویژگیهای شخصیتی آنان (مقیاسهای MMPI) به‌طور خلاصه این‌گونه به‌دست آمده است که: وجود تفاوت معنادار آماری فقط در مقیاس‌های L, K, HS, HY, PD, PT, SC تأیید می‌شود.



نمودار شماره ۱- نیمرخ MMPI، انواع جرایم زندانیان زندان مرکزی اصفهان

بحث و نتیجه گیری

زنان زندانی در مقایسه با مردان زندانی، افسردگی، احساس عدم امنیت و اضطراب، تنش و بی‌قراری بالاتری دارند. همچنین از مکانیزم دفاعی واکنش‌سازی بیشتر استفاده می‌کنند. زنان درباره احساس بی‌ارزش بودن می‌اندیشند. در بین زندانیان زن شکوه‌های بدنی (بویژه در قسمت بالای دست‌گاه گوارش) و مشکلات مربوط به سوء مصرف گاه و بی‌گاه دارو یا الکل (تلاش آنها برای خود-درمانی دارویی) امری متداول است. همچنین افسردگی دو قطبی مرکب، اختلال ادواری-خوبی (سیکلوتایمی)، خود بیمار انگاری، گمگشتگی خفیف ذهنی، اختلالات شخصیت بویژه پرخاشگری غیرفعال، هذیان‌های خفیف، بیگانگی میان فردی و درماندگی را منعکس می‌سازند. در کل، وضعیت روانی آنان نسبت به مردان وخیم‌تر است با وجود این درگیری کمتری با مراجع قدرت از خود نشان می‌دهند. به‌طور کلی، مردان زندانی مهارت‌های اجتماعی ندارند و همواره سعی می‌کنند از سایرین دوری کنند. دنیا را تهدید کننده و مکانها را طرد کننده ادراک می‌کنند و رفتارشان

در مقابل دنیا و مکانها همراه با عصبانیت و نوعی جبهه‌گیری در برابر صدمه دیدن است. آنان در مقایسه با افراد عادی احساس مسئولیت پایینی دارند، مشکلات خود را به گردن افراد دیگر می‌اندازند، اشتغال ذهنی با افکار جنسی دارند و همیشه در موقعیتهای جنسی احساس بی‌کفایتی می‌کنند. مردان آشفتگی فکری بیشتری داشته با مراجع قانونی مقاومت و درگیری بیشتری دارند. آنان هم‌رنگی کمتری نشان می‌دهند و بیش از زنان عقاید خاص مذهبی و سیاسی دارند. در نتیجه امکان پیش‌بینی رفتارهای مردان نسبت به زنان کمتر است و از اختلال روانی اسکیزوفرنی پارانوئید بیشتر رنج می‌برند.

درباره متغیرهای جمعیت‌شناختی به نظر می‌رسد که استفاده سالم از ساعات فراغت در نوع جرایم مؤثر واقع نمی‌شود و احتمالاً در شدت و میزان جرایم مؤثر واقع می‌شود. از طرف دیگر، مشخص گردید که افراد علاقه‌مند به مطالعه و ورزش، از هر نوع امکانات ورزشی و مطالعاتی زندان به‌طور یکسانی استفاده نمی‌کنند. همچنین عدم وجود رابطه میان رشته‌های ورزشی و نوع جرایم بیانگر این مطلب مهم است که احتمالاً ورزشهای رزمی و خشن نمی‌توانند در ارتباط با ارتکاب قتل مؤثر واقع شوند. وجود رابطه معنادار آماری بین متغیرهای طبقه‌ای، نداشتن والدین و جنسیت زندانیان نیز تأیید شد. این یافته تحقیق با یافته‌های تحقیقات گریفیت (۱۹۹۰)، فارینگتون و همکاران (۱۹۸۸) هماهنگ است و به‌عنوان یکی از عواملی که احتمالاً در وخامت وضعیت روانی زنان مجرم مؤثر است به حساب می‌آید.

به‌طور کلی، یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات گروبین^۱ (۱۹۹۴)، هاتن و سایرین (۱۹۹۳)، آدلر^۲ و همکاران (۱۹۹۴)، هادینگز (۱۹۹۲)، مارش^۳ و همکاران (۱۹۹۱)، شیرلی و همکاران (۱۹۹۱)، بنزج (۱۹۹۱)، لوئیس^۴ و سایرین (۱۹۹۱)، هایدن‌سوهن^۵ (۱۹۹۱) تامانی^۶ و سایرین (۱۹۹۰)، بلوگلاس و بودن^۷ (۱۹۹۰)، فامولرو^۸ و همکاران (۱۹۹۰)، کاتز^۹ (۱۹۹۰)، کالیچمن^{۱۰} (۱۹۸۸) هماهنگی نشان می‌دهد.

1- Grobin

2- Adler

3- Marsh

4- Lewis

5- Hidensohn

6- Tammany

7- Bluglass & Bowden

8- Famularo

9- Katz

10- Kalichman

پیشنهادها

۱- پیشنهاد یک نظام قانونی - درمانی

با استناد به یافته‌های مطالعاتی؛ لامب^۱ (۱۹۸۷)، اسمیت^۲ (۱۹۸۷)، اپلبام^۳ (۱۹۸۸)، مولن^۴ (۱۹۸۸)، سیلفن و بن دیوید^۵ (۱۹۹۴)، اردریچ (۱۹۹۴)، تهرانی (۱۹۹۶) و یافته‌های تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد یک نظام درمانی و قانونی زیر نظر وزارت بهداشت، آموزش و درمان؛ وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مراجع قضایی به منظور پیشگیری و کاهش جرایم، مراقبت و پیشگیری از تکرار جرم و درمان مجرمین به شرح زیر تأسیس گردد:

نظام پیشنهادی در دو بخش، یکی برای داخل و دیگری برای خارج از زندان، مطرح می‌گردد.

الف - بخش داخلی: این بخش که در داخل زندان خواهد بود، از یک گروه تصمیم‌گیرنده شامل یک جرم‌شناس بالینی، یک حقوقدان، یک افسر نیروی انتظامی با تجربه در امر اداره زندانها، یک روان‌پزشک قانونی، یک روان‌شناس قانونی و یک مددکار اجتماعی و یا جامعه‌شناس تشکیل می‌گردد. این بخش، خدمات قانونی-درمانی خاصی را برای آزادسازی زندانیانی که دادگاهها و شورای داخلی زندان تعیین کرده‌اند ارائه می‌دهد و با استفاده از ضمانت‌های قانونی از قبیل سند و قباله می‌تواند اختیاراتی به این شرح داشته باشد:

۱- تشکیل پرونده و تهیه شرح حال به منظور کمک‌رسانی به امر تعیین مسؤلیت جنایی و تصمیم‌گیری دادگاهها

۲- تعیین مجازات برای مجرمین متعهدی که بر تعهد خود پایبند نیستند.

۳- تعیین و تشکیل جلسات گروه درمانی برای افراد الکلی و معتاد بی‌نام

۴- بازسازی شخصیت مجرمین

۵- آزادسازی و مرخصی‌های دوره‌ای یا کوتاه‌مدت با همکاری بخش خارجی

۶- به اجرا درآوردن طرحهای تحقیقاتی.

ب- بخش خارجی یا بخش خارج از زندان: این بخش در نظارت، ادامه درمان، پیشگیری از بیماریهای روانی جرم‌زا و حل و فصل مشکلات قانونی، نه فقط در ارتباط با خانواده مجرمین متعهد، بلکه در رابطه با سایر مراکز درمانی خصوصی یا عمومی نیز، همکاری می‌کند. این بخش با حفظ ارتباط متعامل و هماهنگ با بخش داخلی زندان فعالیت می‌کند.

۲- سایر پیشنهادها

پیشنهاد می‌گردد مسئولان آموزش و پرورش به منظور پیشگیری از ارتکاب انواع جرایم مردان، برنامه‌های آگاهی‌دهنده خاصی را برای دانش‌آموزان تدوین و اجرا نمایند. توصیه می‌شود مسئولان امور فرهنگی زندان در همه زمینه‌های مورد علاقه زندانیان مرد به طور هماهنگ برنامه‌ریزی نمایند. برنامه‌های تفریحی، فرهنگی و عقیدتی باید متناسب با نوع جرم و ویژگیهای شخصیتی مجرمین تدارک دیده شود. به منظور رعایت بهداشت روانی کادر نیروهای انتظامی و زندانیان، توصیه می‌شود متناسب با ویژگیهای شخصیتی مأموران انتظامی و نوع جرایم زندانیان برنامه‌ریزی شود. توصیه می‌شود مربیان تربیت‌بدنی، معلمان مدارس و آموزشگاهها به منظور کاهش جرایم سرقت مردان، بر روی آموزش ارزشهای اخلاقی بیشتر تکیه کنند. در نهایت پیشنهاد می‌شود ساختارهای فیزیکی، مهندسی و موقعیت زندانها متناسب با روحیه انواع مجرمین زندان طرح‌ریزی شود.

منابع و مآخذ

- احدی، حسن (۱۳۶۹). *علل روانی - اجتماعی بزه‌کاری دانش‌آموزان ایرانی*، پژوهش در مسائل روانی - اجتماعی، بهار و تابستان، سال سوم، شماره ۴ و ۵.
- عبدی، عباس (۱۳۷۱). *تأثیر زندان بر زندانی - آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران؛ چاپخانه پیام.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۸). *مبانی جرم‌شناسی*، جلد اول، چاپ سوم، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- Adler, L., K. Lehman, K. Rader, and KF. Schnemann, (1994). "A Runing Amok - Content Analytic Study of 196 News Presentations from Industrialized Countries U". *Fortschr-Neuroool-Psychiatr.* Vol. 61, No. 12. PP, 33-424.

- Appelbaum, PS (1988). "The new Preventive Detention: Psychiatry's Problematic Responsibility for the Control of Violence". AM- J Psychiatry. Vol. 145, No. 7. PP, 85-779.
- Blunzsch, M (1991). "A depression and crime. Review of the literature and original casesu". Annmed-Psycol-Paris. Vol. 149. No. 9, pp, 70-80.
- Bluglass, Robert, and Paul Bowden (1990). Principles and Practice of Forensic Psychiatry. London: Churchill Livingston, P 212.
- Dejong, J.,M, Virddunen, and M., Linnoila, (1992). "Factors Associated with Recidivism in a crimnalpopulation". J-Verv-Ment-dis. Vol. 180, No, 9 P,543.
- Erdreich, M (1994). "Sectorial Automatism: A further development". Med-Laws. Vol. 73, No 3 pt 2, PP, 75-167.
- Famularo, R.R, Kinscherff and T, Fenton, and SM Bolduc, (1990). "Child maltreatment Histories Among Runaway and Delinquent children. chin-pedatr-phila, Vol. 29, No, 12. pp 713.
- Farrington, D.P. (1988). "Are there any successful men from criminogenic backgrounds?" Psychiatry. Vol. 116, No 30, PP, 116.
- Grobin, D. (1995). "Sexual Murder". Br.j.Psychiatry. Vol. 165, No. 4, P 624.
- Hidensohn, F.M. (1991). "Women as perpetratos and victims of crime, A sociological perspeetive". Be-j-psychiatry-suppl. Vol. May, No.10, PP 50.
- Hodgins, S. (1992). "Mental Disorder, Intellectual Deficiency, and Crime. Evidence from a birth cohort aseec comments U". Arch-Gen-psychiatry. Vol. 49, No 6 PP, 83-476.
- Hotton, HE., & Miner, MH., & Langfeldt, Vc (1993). "The utility of the megargee-Bohn typology in a forensic psychiatric hospital". J-Pers-Assess. Vol. 60,No. 3, P.102.
- Mullen, PE (1988). "Violence and mental disorder". Be-j-Hosp-Med. Vol. 40, No, 6. PP 3-460.